

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**چهارچوب مفهومی**  
**گفتمان سازی برای ورود به**  
**قرن ۱۵ هجری شمسی**

چهار چوب مفهومی گفتمان سازی  
برای ورود به قرن ۱۵ هجری شمسی

تاریخ انتشار: اسفند ۱۴۰۰

تهیه کننده: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی

معاونت: ملی  استانی  بین المللی

نوع سند: توصیه نامه  مصوبه  بیانیه (قطعنامه)

گزارش رصدی  گزارش نظارتی

طبقه بندی: عادی  محرمانه  خیلی محرمانه

همکاران:

ناظر: سیدمجید امامی

شناسه:

تقویم هجری شمسی یکی از نشانه‌های ماندگار همشینی فرهنگ اسلامی و ایرانی و ویژه‌ی ایرانیان است. اکنون که قرن چهاردهم هجری شمسی آخرین روزهایش را پشت سر می‌گذراند و در آستانه تحویل قرن ۱۵ هجری شمسی هستیم، نوشتنِ اعداد تقویم، می‌تواند همچون نقطه عطفی برای بازآفرینی تمدن ایرانی - اسلامی مورد توجه قرار گیرد؛ موضوعی که در بیانیه گام دوم مقام رهبری نیز به آن توجه شده است. نکته قابل توجه این است که با توجه با نامگذاری قرن جدید به «قرن جدید، قرن امید» این مفهوم در بیانۀ راهبردی گام دوم به طور ویژه‌ای اشاره شده است:

« اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی ففل‌ها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال- و اکنون مانند همیشه- سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش- که به برخی از آنها اشاره شد- در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب

بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.»

از این رو، ترسیم چشم‌انداز و راهبردهایی برای برنامه‌ریزی در سطوح کلان، میانی و خرد به منظور استفاده بهینه از ظرفیت‌های روانی و فرهنگی چرخش قرن با محوریت «امید» اهمیت زیادی دارد. بدین منظور، اجزا و ارکان مختلف حاکمیتی می‌توانند در مذاکره با نخبگان فرهنگی و هنری و سازمان‌های مردم‌نهاد، الگوهای مناسبی برای این برنامه تحول را به جامعه معرفی کنند. خوشبختانه این ترسیم چشم‌انداز و طراحی راهبردها امری بدون سابقه نیست و مجموعه‌ای غنی از آموزه‌های تاریخی و دینی، اسناد بالادستی ملی، و ذخیره‌ای غنی از آموخته‌ها، تجربه‌ها و مشاهدات عینی، این مجموعه برنامه‌ها را پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، می‌توان فرصت چرخش قرن را محور مجموعه‌ای از همکاری‌های گسترده و همه‌جانبه در سطح ملی برای بازآفرینی آرمان‌های فرهنگی و تاریخی ایران اسلامی و بازشناسی مسیرهای تحقق اهداف تمدنی تعریف کرد. حاصل این مذاکره، الگوهای مشخصی از برنامه و اقدام در سطوح کلان، میانی و خرد برای استفاده بهینه همه عرصه‌های عمومی و اختصاصی از ظرفیت‌های این نقطه چرخش زمانی خواهد بود.

## اهمیت فرهنگی و اجتماعی چرخش قرن

قرآن می‌فرماید: **الشمس و القمر بحسبان** (خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند). و باز می‌فرماید: **فالق الاصابح و جعل الليل سكنا و الشمس و القمر حسب انا ذالك تقدير العزيز العليم** (او شکافنده صبح است و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است. این اندازه‌گیری خداوند توانای دانا است). بنابراین ورود به قرن جدید فرصتی نادر و معنادار است و در این جامعه، می‌توان الگوهای بسیار متنوعی از برنامه‌های خلق‌الساعه را پیش‌بینی کرد. درست است که زمان جریان سیالی دارد و تقسیم‌بندی آن به هفته و ماه و سال و قرن و هزاره هر چقدر هم که بنیادین باشد، یکی از قراردادهای اجتماعی برای اندازه‌گیری زمان است، در عین حال نمی‌توان از این واقعیت گریخت که همین قرارداد اجتماعی ساده - که بخشی از آن بر اساس گردش زمین به دور خورشید و نظم اعداد طبیعی قرار دارد - چنین آمال و آرزوهای گسترده‌ای را برانگیزد و چنین مجموعه عظیم و اعجاب‌انگیزی از پیامدهای فرهنگی و اجتماعی را به همراه داشته است.

چرخش قرن امری ذهنی و انتزاعی نیست، چرخش قرن امری عینی و ملموس است که همه امور واقعی دیگر را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. همه چرخش‌های زمانی چنان قدرتی دارند که بر ساختار زمانی زندگی مردم اثر می‌گذارند. امروز، فارغ از این که افراد، اجتماعات





و دولت‌ها چه گرایشی داشته باشند، باز هم کارهایشان را مبتنی بر «هفته» طراحی می‌کنند، ساختاری زمانی که هدیه و یادگار بلامنازع ادیان الهی است. در ساختار هفتگی، همه می‌دانند که باید پنج یا شش روز کار کنند و روزهای آخر هفته به استراحت پردازند. نظم زمانی مبتنی بر هفته که در دوره کشاورزی رعایت می‌شد، به جای منسوخ شدن در دوران صنعتی و مدرن، فرصت و مجال بیشتری برای اثرگذاری و ساختار دادن به فضاهای زندگی فردی و جمعی انسان‌ها یافت و امروز یک نظم طبیعی پذیرفته شده در همه جوامع دینی و غیردینی است. به همین ترتیب، نظم‌های مبتنی بر ماه و فصل و سال هم اثرگذاری غیرقابل انکاری بر شیوه زیست و کار مردم و اجتماعات و سازمان‌ها گذاشته‌اند. مفاهیم و ایده‌هایی همچون تعطیلات آخر هفته، تعطیلات تابستانی، فصل باز شدن مدارس، روز آخر ماه، تعطیلات سال نو، همه و همه از جمله نمونه‌های اثرگذاری همین مفصل‌بندی‌های قراردادی زمان بر ساختار زندگی و کار مردم امروزی است.

این تدوین‌ها آشکارا چیزی بیش از ظروف معمولی زمانی هستند. با دقت در این پدیده متوجه می‌شویم که خود زمان هم فاعلیت‌های مشخصی دارد و در واقع باید خود همین نقطه عطف زمانی را هم یک «کنشگر» دانست. در مقیاسی کوچک‌تر، نقاط عطف کوچک زمانی مثل پایان هفته، پایان ماه، و پایان سال هم چنین خاصیتی دارند. وقتی

سخن از «آخر هفته» به میان می‌آید، نوعی قالب و ساختاری زمانی معرفی می‌شود که فارغ از کارهای معمول است؛ زمانی که فرد کارها و مأموریت‌های عمومی و اجتماعی‌اش را کنار نهاده و در فضاهای خصوصی و خانوادگی به استراحت می‌پردازد، فرصتی از فراغت که محل تأمل در رویدادهای هفته گذشته و برنامه‌ریزی ذهنی برای هفته آینده هم هست. وقتی سخن از پایان یا آغاز سال می‌شود، مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدید تداعی می‌شود که کنش‌های خاص خودش را می‌طلبد. درست است که برای پایان قرن قراردادهای اجتماعی مشخص و ویژه‌ای وضع نشده است، اما این تغییر چون در مقیاس بزرگی رخ می‌دهد و اعداد بیشتری در تقویم تغییر می‌کنند، انتظارات بیشتری هم برای تغییر در حاشیه آن ایجاد می‌شود، انتظاراتی که در جای خود، ضرورت گفت‌وگو و مذاکره را در میان نهادهای اجتماعی به منظور استفاده از ظرفیت‌های خاص آن آشکار می‌کند.

### سابقه تاریخی ادبیات تغییر قرن

سیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران بر این نکته تأکید دارند که جامعه ایرانی حداقل تاکنون بیشتر درکی اسطوره‌ای از زمان داشته است تا تاریخی. حتی پدیده‌های مشخص تقویمی همچون عید نوروز هم در همین ساختار ادراکی معنا گرفته است و هر نوروز،

روزی یکسره نو تلقی شده است، زمانی که کل خلقت تازه می‌شود، زمستان سرد و تاریک می‌گذرد و جهان سرشار از نور و گرما و روشنایی و امید می‌شود. با آن که مقایسه تطبیقی دقیقی انجام نشده است، به نظر می‌رسد که مردم ایران توجه بیشتری به لحظه‌های آغاز دوره‌های تاریخی دارند. شاید بخشی از این اهمیت به خاطر جایگاه عید نوروز در جامعه و فرهنگ ایرانی باشد که با شکل‌گیری تقویم جلالی رنگ و بوی اسلامی نیز گرفته است. نوروز، نوید تغییر در سراسر طبیعت و جهان هستی را تداعی می‌کند. این نگاه به زمان، با آنکه بیشتر بر محور اسطوره است تا تاریخ، همین سرفصل‌های قراردادی برای تفکیک زمان را موقعیت ویژه‌ای برای اقدام به تغییر و تحول می‌داند، چنانکه در آیاتی از قرآن مجید نیز توجه به گردش ماه و خورشید و گذر سال برای اهل دانش مهم داشته شده است؛ با این حال در ابتدای قرن چهاردهم که با رویدادها و نوسازی‌های مشخصی همراه بود، در ادبیات رسمی، اشاره‌ای به تغییر قرن نشده است. البته بخشی از این امر را می‌توان ناشی از رواج تقویم هجری قمری به عنوان تقویم رسمی در آن دوران دانست. در واقع، چرخش قرن همراه با پذیرش تقویم شمسی به مثابه تقویم رسمی بود و تقویم قمری با مجموعه‌ای از مناسبات دینی و الگوهای مدیریت امور آبیاری و کشاورزی در روستاها همچنان بخشی از کارآیی خود را حفظ

کرد. با این وجود، می‌توان مجموعه‌ای از اقدامات ایجاد شده در ابتدای قرن گذشته همچون نوسازی قوای نظامی در قالب یک ارتش ملی، نوسازی نظام آموزشی، نوسازی نظام اداری، ایجاد نظام قضایی، تأسیس بانک‌ها و تغییر در نظام پولی و مالی و غیره را فهرست کرد که حاصل خواسته‌های مردمی و نخبگان فرهنگی و اجتماعی در جریان انقلاب مشروطه بود.

چرخش قرن در سایر جوامع هم مورد توجه بوده است. در انتهای قرن نوزده، یک جریان پر دامنه ادبی و هنری ایده «پایان قرن» (به فرانسوی: فین دو سیل) را مطرح کردند که با طیف‌های متنوعی از ایده‌های خوش‌بینانه و بدبینانه همراه بود و نویسندگان و هنرمندان زیادی دست به خلق آثار ادبی و هنری بر اساس برداشت خود از تحول زمان زدند. پایان قرن بیستم در کشورهای مختلف جهان از توکیو تا لندن و از دوبی تا سانتیاگو، همراه با مراسم و رویدادهای فرهنگی و هنری زیادی بود. این تحول در آن دوران تحت تأثیر دو رویداد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و ظهور اینترنت بود. نظریه‌پردازانی همچون هانتینگتون و فوکویاما ایده‌هایی مبنی بر پیروزی نهایی نظام سرمایه‌داری غربی در منازعات تاریخی و پایان تاریخ را مطرح کردند و در عمل، آن چه اتفاق افتاد، حمله القاعده به برج‌های تجارت جهانی بود، عملیاتی که سایه ماندگاری بر روابط و مناسبات بین‌الملل باقی

گذاشت. به نظر می‌رسد، سرفصل‌های زمانی در کشورهای غربی هم اهمیت مضاعفی یافته‌اند تا جایی که در حلقه‌های برنامه‌ریزی مثل سازمان ملل متحد، یونسکو و بانک جهانی، سخن از برنامه‌های مبتنی بر دهه‌های میلادی بسیار شایع و پررنگ شده است.

به هر حال، به نظر می‌رسد که توجه ایرانیان به فصول زمانی مبتنی بر دهه و قرن، امری به نسبت جدید باشد. در پایان قرن‌های گذشته به ندرت چنین موج‌هایی از تأمل، برنامه‌ریزی و کنش گزارش شده است. این امر می‌تواند ناشی از درک به نسبت متفاوت ایرانیان معاصر از مفهوم زمان باشد. ایرانیان از اسطوره بازگشت ابدی الگوها به سوی درکی خطی و توسعه‌ای حرکت کرده‌اند. درک جامعه اسطوره‌ای از زمان بیشتر بر اساس چرخش روز و شب و فصول است. عدد سال یا شماره روزهای ماه برای این جامعه اهمیت زیادی ندارد. در حالی که زمان در جامعه جدید، مبتنی بر یک جدول تقویمی با درج دقیق شمار روزهای سال و عدد سال‌ها است. جامعه ایرانی اگرچه تا حد زیادی همان نگاه اسطوره‌ای خود را حفظ کرده است اما تلاش دارد این نگرش اسطوره‌ای را با توجه زیاد به نظم اعداد درج شده در تقویم بیوشاند. بنابراین، توجه جامعه ایرانی به نقاط چرخش تاریخی در خود نوعی اسطوره‌زدگی مدرن را هم دارد. به همین خاطر است که باید برای رویداد چرخش قرن برنامه‌های اندیشیده شده‌ای داشت.

## کارنامه قرن گذشته

می‌توان فهرست‌های مختلفی از حوادث و رویدادهای رخ داده در دنیای آفاقی و انفسی ایرانی تهیه کرد. جنبش مشروطه را می‌توان مهم‌ترین رویداد اثرگذار بر قرن گذشته دانست. جنبشی که البته به پیروزی نرسید اما بسیاری از خواسته‌ها و اراده‌هایش را در سطحی غیررسمی پیگیری کرد و برخی را هم تا حدی به اجرا گذاشت. گسترش سواد عمومی، نوسازی ارکان و نهادهای مختلف جامعه، و استقرار قانون، از جمله خواسته‌های نهضت مشروطه بود که تحقق پیدا کرد. مهم‌ترین رویداد آغاز قرن گذشته، برآمدن رژیم پهلوی بود که شکلی آمرانه از مدرنیته غربی را بدون توجه به زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی در دستور داشت. تخت رژیم پهلوی فقط روی یک پایه مفهومی شاه در فرهنگ باستانی ایرانی قرار داشت و پایه‌های دیگر آن در الگوهای تجربی مدرنیته در ترکیه و کشورهای اروپایی قرار داشت و تناسبی با جامعه ایران نداشت. به همین خاطر بود که با امواج متنوعی از مقاومت مردمی و فرهنگی مواجه می‌شد. اشغال ایران در ابتدای دهه ۱۳۲۰ توسط نیروهای روسی و انگلیسی آثار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی عمیقی بر جامعه گذاشت و در عرصه حاکمیتی به خلع رضاشاه از پادشاهی و بر تخت نشاندن پسرش دوباره به دست همان قدرت‌های خارجی انجامید. ملی شدن صنعت نفت در سال

۱۳۲۹ دستاورد بزرگی برای جامعه ایران بود اما کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ را در واقع می‌توان در ادامه همان اشغال ایران دید که در فاصله ۴ ماه در قیام دانشجویی ۱۶ آذر اولین آثار شکست خود را تجربه کرد. قیام امام خمینی در اعتراض به کاپیتولاسیون که با پشتوانه مردمی قدرتمندی همراه شد، فاصله زیاد رژیم پهلوی با پایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانی را آشکار کرد. از این قیام تا بهمن ۱۳۵۷، سرزمین ایران محل مقاومت نیروهای مردمی و سرمشق‌های دینی و فرهنگی در برابر الگوهای وارداتی مدرنیته بود که سرمایه تجربی و معرفتی عظیمی را برای جامعه ایرانی فراهم کرد. پس از انقلاب هم سرزمین ایران محل تجربه‌های فشرده و پرتنشی از مقاومت در برابر نظام سلطه بین‌المللی بود که با جاه‌طلبی‌های کور منطقه‌ای ترکیب می‌شد. تجربه استقرار جمهوری اسلامی ایران، پیروزی در جنگ بدون از دست دادن یک و جب از خاک ایران برای اولین بار در تاریخ پانصد ساله، بازسازی شهرها، مدیریت امواج بزرگ جمعیتی، به روز رسانی نظام آموزش و پرورش، رسانه‌ها، نظام بانکی و پولی، توسعه شهرها و روستاها، و نظام سلامت جامعه، از جمله دستاوردهای بزرگ پس از انقلاب بود.

جامعه ایرانی در طول قرن چهاردهم هجری شمسی در حوزه فرهنگی و هنری دستاوردهای چشمگیری داشته است. در حوزه موسیقی، این صنعت از یک تفنن محافل بسته و خصوصی وارد کل

جامعه شد. موسیقی ایرانی در قرن گذشته یک جهش اساسی داشته است. در عرصه سینما، با آن که این صنعت جدید است، سینمای ایران همراه با سینمای جهان حرکت کرد. در حوزه ادبیات، ضمن آن که صنعت نشر ایران شکل گرفت، طیف گسترده‌ای از نویسندگان به میدان آمدند و به تولید و عرضه محصولات ادبی و مکتوب پرداختند. صنعت تئاتر هم در این دوران متولد شد و به شکوفایی امروزی رسید. جامعه ایرانی در بسیاری از عرضه‌ها همچون موسیقی، ادبیات، هنرهای تجسمی، و سینما، محصولاتی را تولید کرده است که با استقبال گسترده جهانی همراه شده است.

آن چه در مورد این دستاوردها اهمیت دارد، رسیدن به آن‌ها با تکیه بر اصول، باورها و توان مردمی بود. در واقع، درس مهم قرن گذشته را باید در همین اهمیت باورها و فرهنگ مردم دید که می‌توان برای کشف، استخراج و توانمندسازی آن برنامه‌هایی داشت.

### ذخیره‌های معرفتی و تجربی برای برنامه‌ریزی

قرن چهاردهم با همه پستی‌ها و بلندی‌هایی که به همراه داشت، زمان گردآوری، مطالعه، و تدوین مجموعه‌ای از اسناد بالادستی شد. پیش از انقلاب، به مدد صنعت نوپای نشر، مجموعه متنوعی از آثار ادبی و فرهنگی منتشر شد که به صورت سلبی یا ایجابی، به ارتقای



سواد فرهنگی جامعه کمک زیادی کرد. ظهور دیگر صنایع فرهنگی مثل سینما و تلویزیون، با همه ناهمخوانی‌هایی که در ابتدا با فضای فرهنگی و دینی جامعه داشتند، باعث تفکر و تأمل مردم در ماهیت و مسیر زندگی انسان ایرانی شدند. جرقه‌های مقاومت مردم در برابر الگوهای آمرانه و وارداتی توسعه در رخدادهایی مثل شانزده آذر ۱۳۳۲، پانزده خرداد ۱۳۴۲ و در نهایت شکل‌گیری هسته‌های مقاومت مسلحانه از اواخر دهه ۱۳۴۰ و تجربه انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، از ابتدای نهضت تا پیروزی آن و تا تجربه مدیریت همه امور جامعه به مدت چهل سال، در عمل به بازخوانی و تولید شناخت دقیقی از حوادث صدر اسلام و جریانات سیاسی و فرهنگی جامعه ایران انجامید. زندگانی بزرگان دینی دوباره مورد مطالعه و توجه مردم و نخبگان قرار گرفت و تعریفی شفاف از اصول و فروع دین در همه سطوح جامع جریان پیدا کرد. تجربه جنگ تحمیلی باعث افزایش خودآگاهی ملی در برابر خواسته‌های استعمارگران جهانی شد. مجموعه‌ای از برنامه‌های توسعه تدوین شد که هر کدام مبتنی بر آموزه‌های متقن علمی و اجرایی بودند. تصویر موجز و کاملی از همه این دست‌یافته‌های معرفتی را می‌توان در «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران» مشاهده کرد. این بیانیه مجموعه‌ای از راهبردهای نظری و بینشی را برای تدوین برنامه‌های آینده به دست

می‌دهد که می‌تواند به صورت طبیعی، مبنا و چراغ راهنمای تدوین برنامه‌های چرخش قرن هم قرار گیرد. بیانیه گام دوم میان گذشته و آینده گسستی نمی‌بینید و خواستار شناسایی دقیق گذشته برای برداشتن گام‌های استوار در آینده می‌شود. همچنین در این بیانیه به صراحت و شفافیت رهنمودهای اندیشمندانه‌ای برای گذار از فاصله میان بایددها و واقعیت‌ها ارائه شده است. یکایک اصول و پیشنهادها مطرح شده در این بیانیه را می‌توان به عنوان سرفصل‌های راهبردی برنامه‌ریزی برای چرخش قرن به کار گرفت.

### اصول پیشنهادی برنامه‌ریزی برای چرخش قرن

به این ترتیب، نظر به اهمیت چرخش قرن و برای استفاده بهینه از ظرفیت‌های این سرفصل زمانی، اجتناب از سوء استفاده‌های خرافی و پیشگیری از هدر رفتن انرژی‌های روانی مردم، جامعه و دولت، می‌توان به مجموعه‌ای از قواعد برای ترسیم چارچوب برنامه‌های اجرایی در این مقطع اندیشید. این قواعد را می‌توان مبتنی بر چند اصل بنیادین گذاشت:

۱- **مبتنی بر فرهنگ بومی باشد:** جامعه ایرانی در طول قرن گذشته ثابت کرد که ذخیره‌های معرفتی عظیمی را در طول هزاران سال زندگی کسب و درونی کرده است. دین یکی از جلوه‌های این معرفت است،

همچنین بخش مهمی از این ذخایر در قالب شعر و ادبیات مکتوب و مستند شده و بخش‌های دیگری مانند زبان و سبک زندگی و شیوه‌های زیست جمعی، به صورت غیرملموس به اثرگذاری مشغول هستند. نمی‌توان بدون توجه به این مجموعه باورها و اصول برنامه‌ریزی موفقی داشت. توسعه پدیده‌ای عام و جهانی است که در هر بستر بومی رنگ و ویژگی‌های اجرایی خاص خودش را پیدا می‌کند. در یک قرن اخیر شواهد زیادی آشکار شده است که برخی کشورها دوست دارند الگوها و تجربه‌های خودشان از توسعه را تعمیم داده و به دیگر کشورها بفروشند یا تحمیل کنند. این در حالی است خود آن‌ها در فضاهای به شدت بومی، محلی، و با تکیه بر فرهنگ خود این تجربه‌ها را به دست آورده‌اند. استفاده از تجربه‌های مشترک بشری امری ضروری است و نیازی به تکرار تجربه‌های تاریخی انسان‌ها نیست اما از سوی دیگر، نمی‌توان همه این تجربه‌ها را به صورت کلی در هر سرزمینی قابل تکرار دانست. به هر حال، برنامه‌های مربوط به چرخش قرن باید از طریق مشورت مستقیم با کنشگران محلی، قومی، زبانی، و محلی تدوین شود. فضاهای فرهنگی و اجتماعی ایران، به شرط آن که تنوع و تکرار آن به رسمیت شناخته شود، محل حضور صاحبان ایده، تجربه، فلسفه و فرهنگ است که باید به مشارکت در توسعه و برنامه‌ریزی برای چرخش قرن فراخوانده شوند.

۲- مبتنی بر ادبیات پیشرفت، نوآوری و توسعه باشد: بیشتر ادبیات ایجاد شده پیرامون نوشدن‌های زمانی با واژه‌های همچون تحول و تغییر علامت‌گذاری می‌شود. البته در معنای این واژه‌ها ابهام‌هایی وجود دارد و باید بررسی شود که کنشگران بیشتر کدام لایه معنایی را هدف قرار می‌دهند. اما در مورد این مجموعه برنامه‌ها، اگر مبنا را توسعه و پیشرفت قرار دهیم، و بر اساس همان ادبیات که در نیم قرن گذشته به خوبی پرورده شده است، برنامه‌ریزی کنیم، می‌توانیم مطمئن باشیم که از این چرخش زمانی به مثابه یک فرصت استفاده کرده‌ایم. واقعیت این است که خود برنامه‌های توسعه هم به چنین فرصت‌هایی نیاز فراوانی دارد و اگر با ادبیات توسعه وارد نشویم، بعید نیست که بخشی از گفتارهای مخالف توسعه بتوانند در این میدان عرض اندام کنند.

۳- مبتنی بر مشارکت مردم و نهادهای مردمی و همکاری همه ارکان و اجزای شهرها و مناطق باشد: منظور از مشارکت حداکثری هم در معنای مشارکت مستتر است که شامل مشارکت آزاد و برآمده از نیازها و توانایی‌های خاص هر واحد شرکت است، و هم تنوع در مشارکت است که مشارکت همه سلیقه‌ها و باورهای اصلی جامعه را می‌رساند.

۴- کارها به صورت میان‌بخشی و با رعایت راهبردهای توسعه ملی و منطقه‌ای تعریف شوند: الگوی کار به صورت بخشی در سطح

یک وزارتخانه یا دستگاه اجرایی منفرد کمتر به نتایج قوی و پایدار انجامیده است. به خصوص در زمینه کارهای فرهنگی شرایط به نسبت مساعدی برای تعریف کارهای مشترک میان دستگاه‌های فرهنگی وجود دارد که قابل توسعه هم هست.

به این ترتیب می‌توان به ترسیم چشم‌اندازها و فهرست برنامه‌ها و اقداماتی برای ورود به قرن جدید پرداخت. اما باید توجه داشته باشیم که منظور از چشم‌اندازها و برنامه‌های ورود به قرن جدید چیست؟ با این موضوع به دوگونه می‌توان برخورد کرد:

(الف) ورود به قرن جدید به مثابه فرصتی برای برنامه‌ریزی در سطح کلان برای قرن آینده

(ب) ورود به قرن جدید به مثابه فرصتی برای بزرگداشت این نقطه عطف و استفاده از ظرفیت‌های آن در برنامه‌های دولت

به نظر می‌رسد برای گونه (الف) موضوع باید در سطح حاکمیت دنبال شود؛ زیرا برنامه‌ریزی برای قرن آینده در یک کشور مستلزم همگرایی همه نهادهای حاکمیت، دولت و مردم است. شاید از این منظر بیانیه گام دوم را بتوان سندی در همین رابطه ارزیابی کرد و ذیل آن و با مشارکت حداکثری دستگاه‌های مختلف حاکمیتی، دولتی و مردمی برنامه‌هایی تدوین کرد. در این صورت می‌توان چشم‌انداز و اهدافی را براساس بیانیه گام دوم پیشنهاد کرد.

آنچه در سطح دولت می‌توان به این موضوع پرداخت، استفاده از ظرفیت‌های ورود به قرن جدید برای افزایش ایراندوستی، نشاط و بهبود رابطه میان مردم و دولت است. در این شکل نیز می‌توان به بیانیه گام دوم به مثابه سندی که در آن چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و سیاست‌ها اشاره‌وار تعریف شده است، چشم داشت و برنامه‌هایی را برای بزرگداشت ورود به قرن نو طراحی و اجرا کرد.



چهارچوب مفهومی گفتمان سازی برای ورود به قرن ۱۵ هجری شمسی

